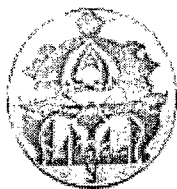


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱/۱۵۱۵۷۱  
۸۷/۱۵۶۸



دانشگاه اصفهان  
دانشکده علوم اداری و اقتصاد  
گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی

تأثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد

استادان راهنما:

دکتر عنایت‌الله یزدانی

دکتر حسین هرسیج

پژوهشگر:

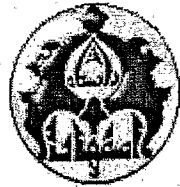
منصوره السادات صفوی همامی

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

تیرماه ۱۳۸۷

۱۰۷۹۸۵

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی  
خانم منصوره السادات صفوی همای تحت عنوان

تأثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد

در تاریخ ۱۷/۱۲/۸۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی..... به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنما جناب آقای دکتر عنایت ا... یزدانی

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۲- استاد راهنما جناب آقای دکتر حسین هرسیج

با مرتبه‌ی علمی دانشیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه جناب آقای دکتر حسین مسعودنیا

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه جناب آقای دکتر مرتضی دهقان نژاد

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

امضای مدیر گروه



## تشکر و قدردانی:

در انجام این تحقیق همواره از راهنمایی‌های ارزشمند و هدایت صحیح استادان فرزانه و بزرگوار؛  
**جناب آقای دکتر عنایت ... یزدانی و جناب آقای دکتر حسین هرسیج** بهره‌مند  
بوده‌ام. انجام این کار را مدیون مساعدتهای بی‌دریغ ایشان و ارشاد و راهنماییهای کریمانه ایشان  
هستم.

زحمات این عزیزان و دیگر اساتید ارجمند خود که در تمام مراحل تحصیل مرا یاری نمودند را  
ارج می‌نهم و سپاس صمیمانه خود را به حضورشان تقدیم می‌دارم.

و همچنین از استاد بزرگوارم **جناب آقای دکتر حسین هرسیج** که عالمی است فرهیخته و  
سرشار از تواضع و مسلمانیست وفادار به خون شهدا، که از محضر ایشان علاوه بر علم و دانش،  
معرفت، روح ایمان و مسئولیت‌پذیری را فرا گرفتم، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## تقدیم به:

روح پاک پدر شهیده سید محسن صفوی

که آینه همه خوبی‌ها و پاکی‌های عالم بود

و

## مادره

آینه افتادگی، عاطفه و پارسایی که زندگیم برایش همه رنج بود و وجودش

برایم همه مهر

و

## همسر فداکار و مهربانه

که لحظه‌ای مرا در سختی‌ها و تنگناهای زندگی تنها نگذاشته و اگر نبود صبر و شکیبایی و پشتیبانی‌های بی‌دریغ او که موفقیتم را به انتظار نشست، طی این مسیر مشکل هرگز به سادگی برایم میسر نبود.

## چکیده

در این پایان نامه مساله اصلی بررسی نسبت دو گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی است. با توجه به این که گفتمان جهانی شدن، گفتمان مسلط زمانه ماست و گفتمان اسلام سیاسی نیز از گفتمانهای مطرح در عرصه جهانی و بین الملل است، این رساله تلاش می کند تا تأثیر گفتمان مسلط (جهانی شدن) را بر گفتمان اسلام سیاسی بررسی کند. در واقع نحوه مواجهه گفتمان اسلام سیاسی با گفتمان جهانی شدن از مسایل مهم زمانه ماست. این نوشتار نحوه مواجهه اسلام گرایان با جهانی شدن را به بحث می گذارد. جهت بررسی این موضوع، تحقیق حاضر با استفاده از نظریه گفتمان لاکلاو و موفه این بحث را دنبال می کند. نظریه گفتمان لاکلاو و موفه نحوه ظهور، گسترش، هژمون شدن و بی قراری گفتمانها را توضیح می دهد.

گفتمان جهانی شدن دال ها و نشانه های سیاست بین الملل را با استناد به دال مرکزی نئولیبرالیسم صورت بندی می کند. در مقابل گفتمان اسلام سیاسی در پی آن است تا نشانه های سیاسی و سیاست بین الملل را با استناد به دال مرکزی اسلام معنا کند. تلاش بر سر معنادگی به دال های شناور، سرانجام به مساله هژمونی و مسلط شدن یک گفتمان باز می گردد. گفتمان مسلط در نهایت معنای مورد نظر خویش را به نشانه ها تزریق می کند. ماحصل بررسی نشان می دهد که هژمونی گفتمان مسلط جهانی شدن، گفتمان اسلام سیاسی را به بازنمایی جدیدی از هویت خود، روبرو ساخته است. امروزه صورت بندی تازه ای از گفتمان اسلام سیاسی در خاورمیانه تحت هژمونی گفتمان جهانی شدن تحقق یافته است که در مفصل بندی آن، دال های جدیدی چون حقوق بشر، دموکراسی، اقتصاد آزاد و ... وارد می شود.

**کلید واژه ها:** جهانی شدن، اسلام سیاسی، بنیادگرایی دینی، گفتمان، هویت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱	۱-۱- شرح بیان مسئله پژوهشی .....
۳	۲-۱- کلید واژه‌ها .....
۳	۱-۲-۱- جهانی شدن .....
۳	۲-۲-۱- خاص‌گرایی فرهنگی .....
۳	۳-۲-۱- بنیادگرایی .....
۳	۴-۲-۱- بنیادگرایی اسلامی .....
۳	۵-۲-۱- گفتمان .....
۳	۶-۲-۱- اسلام سیاسی .....
۴	۷-۲-۱- هویت .....
۴	۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق .....
۸	۴-۱- اهداف تحقیق .....
۸	۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق .....
۸	۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق .....
۸	۷-۱- سؤال تحقیق .....
۹	۸-۱- روش تحقیق .....
۹	۹-۱- ابزار تجزیه و تحلیل .....
۹	۱۰-۱- ابزار گردآوری داده‌ها .....
۹	۱۱-۱- محدودیت‌های تحقیق .....
۱۰	۱۲-۱- سازماندهی تحقیق .....
	<b>فصل دوم: تجزیه و تحلیل نظریه گفتمان</b>
۱۱	مقدمه .....
۱۲	۱-۲- تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی .....
۱۳	۲-۲- تحلیل گفتمان انتقادی .....
۱۴	۳-۲- ظهور نظریه گفتمان در حوزه سیاست .....



۱۶	۴-۲- نظریه گفتمان لاکلائو و موفه.....
۱۷	۴-۲-۱- غیریت سازی.....
۱۸	۴-۲-۲- دال‌های شناور.....
۱۸	۴-۲-۳- دال مرکزی.....
۱۸	۴-۲-۴- مفصل بندی.....
۱۸	۴-۲-۵- زنجیره هم‌ارزی و تفاوت.....
۱۹	۴-۲-۶- نظم گفتمانی.....
۲۰	۴-۲-۷- هویت.....
۲۱	۴-۲-۵- مهم‌ترین آموزه‌های لاکلائو و موفه.....

### فصل سوم: گفتمان جهانی شدن

۲۲	مقدمه.....
۲۳	۳-۱- بخش اول: بازنگری در تعاریف و نظریات جهانی شدن.....
۲۳	۳-۱-۱- تعریف و مفهوم سازی جهانی شدن.....
۲۶	۳-۱-۲- پیشینه تاریخی و مفهوم جهانی شدن.....
۲۹	۳-۱-۳- نظریه های جهانی شدن.....
۲۹	(الف) نظریه های نوگرا.....
۲۹	(ب) نظریه های فرانوگرا.....
۳۰	۳-۱-۳-۱- آنتونی گیدنز.....
۳۲	۳-۱-۳-۲- مارتین آلبرو.....
۳۵	۳-۱-۳-۳- جان تاملینسون.....
۳۷	۳-۱-۳-۴- رولند رابرتسون.....
۴۱	۳-۱-۳-۵- نتیجه‌گیری.....
۴۲	۳-۲- بخش دوم: گفتمان جهانی شدن.....
۴۲	۳-۲-۱- گفتمان جهانی شدن یا جهانی شدن گفتمان ها.....
۴۲	۳-۲-۱-۱- نورمن فرکلاف.....
۴۳	۳-۲-۱-۲- لاکلائو و موفه.....

عنوان	صفحه
..... ۳-۱-۲-۳- مارک راپرت	۴۴
..... ۴-۱-۲-۳- کیت نش	۴۵
..... ۲-۲-۳- مفصل بندی گفتمان جهانی شدن	۴۶
..... ۳-۲-۳- نقطه کانونی گفتمان جهانی شدن	۴۸
..... ۴-۲-۳- دقایق گفتمان جهانی شدن	۴۹
..... ۱-۴-۲-۳- سیاست سکولار	۴۹
..... ۲-۴-۲-۳- دال دموکراسی	۵۱
..... ۳-۴-۲-۳- دال حقوق بشر	۵۳
..... ۴-۴-۲-۳- دال امنیت	۵۴
..... ۵-۴-۲-۳- دال اقتصاد	۵۶
..... ۶-۴-۲-۳- دال عدالت	۵۷
..... نتیجه گیری فصل سوم	۵۹

### فصل چهارم: گفتمان اسلام سیاسی

..... مقدمه	۶۰
..... ۱-۴- بخش اول: بنیادگرایی دینی	۶۱
..... ۱-۱-۴- خاص گرایی	۶۱
..... ۲-۱-۴- بنیادگرایی دینی	۶۴
..... ۳-۱-۴- ویژگی های مشترک بنیادگرایی های دینی	۶۷
..... ۴-۱-۴- بنیادگرایی مسیحی	۶۹
..... ۵-۱-۴- بنیادگرایی یهودی	۷۳
..... ۱-۵-۱-۴- گوش آمونیم: جریان افراطی بنیادگرایی یهودی	۷۴
..... ۲-۵-۱-۴- هاردیم: جریان محافظه کار بنیادگرایی یهودی	۷۴
..... ۶-۱-۴- بنیادگرایی اسلامی یا اسلام سیاسی	۷۶
..... ۲-۴- بخش دوم: گفتمان اسلام سیاسی	۷۸
..... ۱-۲-۴- گفتمان اسلام سیاسی و نظریه گفتمان	۷۸
..... ۲-۲-۴- مفهوم اسلام سیاسی	۸۰
..... ۳-۲-۴- اسلام سیاسی و شرایط ظهور	۸۲

عنوان	صفحه
۴-۲-۴- نقطه کانونی گفتمان اسلام سیاسی	۸۴
۵-۲-۴- دقایق گفتمان اسلام سیاسی	۸۶
۱-۵-۲-۴- دال امت اسلامی	۸۷
۲-۵-۲-۴- دال سیاست شرعی (حاکمیت الهی)	۸۷
۳-۵-۲-۴- دال شورا	۸۸
۴-۵-۲-۴- دال عدالت	۸۹
۵-۵-۲-۴- دال اقتصاد اسلامی	۹۰
۶-۵-۲-۴- دال دعوت	۹۰
۷-۵-۲-۴- امر به معروف (حق / تکلیف)	۹۱
۸-۵-۲-۴- دال آزادی	۹۲
نتیجه گیری فصل چهارم	۹۳

#### فصل پنجم: هویت بین گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی

مقدمه	۹۴
۱-۵- مساله هویت و رویکردهای جدید	۹۶
۲-۵- هویت و نظریه گفتمان	۹۷
۳-۵- هویت، هژمونی، مقاومت	۹۸
۴-۵- هویت بین دو گفتمان	۱۰۰
۵-۵- صورتبندی هویت اسلام سیاسی	۱۰۳
نتیجه گیری فصل پنجم	۱۰۸
نتیجه گیری پایانی	۱۰۹
منابع و مأخذ	۱۱۲

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

جهانی شدن را می توان مهمترین و برجسته ترین موضوع جامعه جهانی به شمار آورد. با وجود فراگیر بودن بحث درباره جهانی شدن، هنوز اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. البته به رغم اختلاف نظر بر سر تعریف فرایند جهانی شدن، بسیاری از پژوهشگران آن را متضمن نوعی همگونی و ادغام می دانند. در مقابل عده ای بر این اعتقادند که فرایند جهانی شدن نه تنها نوعی همگونی و ادغام فرهنگی را در پی دارد، بلکه اساساً تنوع، واگرایی و رستخیز فرهنگی را فراهم می کند (کیانی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

لذا جهانی شدن در عین حال که همه فضاهای بسته فرهنگی را فرو می ریزد و خاص ها را از میان بر می دارد زمینه مناسبی هم برای بازسازی و احیای خاص ها و گوناگونی های مختلف فراهم می کند (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۱۷۴). مانوئل کاستلز گسترش بنیادگرایی دینی، ناسیونالیسم، هویت های قومی و هویت سرزمینی را به مثابه مهم ترین واکنش های تدافعی خاص گرایانه به فرایند جهانی شدن می داند (کاستلز، ۱۳۸۱: ۸۷). در حقیقت بنیادگرایی دینی را می توان مهم ترین و برجسته ترین نمود خاص گرایی دانست که کم و بیش سرتاسر جهان را فرا گرفته است. بنیادگرایی دینی، پدیده ای متاخر است. این پدیده که مهم ترین و برجسته ترین نمود بنیادگرایی فرهنگی به شمار می آید، کم و بیش سرتاسر جهان را فرا گرفته و رسالتی متفاوت بر

عهده دارد. به بیان دیگر امروزه دین در قالب بنیادگرایانه خود به مهم‌ترین منبع هویت سازی در جهان تبدیل شده است (Peterson, 199: 86).

گرچه بنیادگرایی دینی نخستین بار در یک جامعه مسیحی شکل گرفت ولی شدت تنوع و گسترش آن در جهان اسلام بسیار بیشتر از جوامع مسیحی بوده و در طول دو دهه اخیر انقلابی فرهنگی دینی تقریباً همه جوامع اسلامی را فرا گرفته است. اقلیت‌های مسلمان کشورهای غیراسلامی هم معمولاً به جنبش‌ها و گروه‌های بنیادگرا پیوسته است (کاستلز، ۱۳۸۱: ۱۴). امروزه هم در جوامع توسعه یافته غربی و هم در جهان سوم و هم در کشورهای تازه استقلال یافته، گسترش بنیادگرایی اسلامی را می‌توان دید. اما سیاسی شدن اسلام و ظهور بنیادگرایی اسلامی بیشتر با خاورمیانه شناخته می‌شود. بنیادگرایی اسلامی از پدیده‌های مهم در عرصه نظر و عمل سیاسی مسلمانان در دو دهه گذشته بوده است. پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام‌های سوسیالیستی که جهان سرمایه‌داری لیبرال غربی آن را رقیب و خطر جدی برای خود می‌پنداشت، از یک سو و بروز چالش‌ها و انتقاداتی که از درون غرب در برابر مدرنیسم غربی از سوی دیگر و نیز فعال شدن جریان‌ات اسلام‌گرا در کشورهای اسلامی، سبب شده است تا جهان غرب به ظرفیت‌ها و توانایی‌های اسلام در عرصه سیاسی توجه بیشتری نموده و گاه به جای خطر سرخ از خطر سبز اسلام سخن بگوید. پدیده بنیادگرایی اسلامی، در دو دهه اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی در ایران، ظهور انتفاضه مردم فلسطین و در نهایت ظهور جریانات اعتراضی خشونت‌آمیز اسلامی همانند جنبش طالبان و القاعده و تحولات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، اهمیت فزاینده‌ای یافته است (بهروز لک، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

در برابر دو چالش اساسی انحطاط درونی تمدن اسلامی و تهاجم همه جانبه فرهنگ و مدرنیسم غربی به جهان اسلام، اسلام‌گرایان بر خلاف غرب‌گرایان و باستان‌گرایان راه حل خروج جوامع اسلامی از بحران موجود را نه در پیروی از غرب مدرن و یا بازگشت به عصر باستانی قبل از اسلام، بلکه در احیاء و بازگشت به سنت و گذشته اسلامی می‌دانستند. از این رو در بازسازی و احیای جامعه اسلامی، اسلام‌گرایی در برابر مدرنیسم غربی، شکل گرفته و عمدتاً واکنشی به جریانات غرب‌گرا در درون جوامع اسلامی بوده است. این رویارویی در دو دهه گذشته به اوج خود رسیده است. تحولات در دو دهه اخیر در عرصه جهانی وضعیت جدیدی را پیش روی بنیادگرایی اسلامی قرار داده است. فرایند جهانی شدن شرایط جدیدی را در عرصه جهانی ایجاد کرده که مسلماً این شرایط جدید بر بنیادگرایی اسلامی بی‌تاثیر نبوده است. این پژوهش درصدد است تا تاثیر فرایند جهانی شدن را بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه بررسی کند. در بررسی مسأله فوق، رهیافت نوشتار حاضر بهره‌گیری از مطالعات تحلیل گفتمان خواهد بود.

## ۱-۲- کلید واژه‌ها

### ۱-۲-۱- جهانی شدن (Globalization)

منظور از جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۸).

### ۱-۲-۲- خاص‌گرایی فرهنگی (Cultural Particularism)

توسل به عناصر هویت‌بخش فرهنگی خاص است، که در آن بر بی‌همتایی شیوه‌ها، اعمال و ایده‌های یک گروه یا جماعت معین تاکید می‌شود (Peterson, 1999: 85). این پدیده در انواع رفتارهای جمعی خشونت‌بار و غیر خشونت‌بار مانند خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه، بنیادگرایی دینی، نژادپرستی‌های جدید و از این قبیل نمود می‌یابد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲).

### ۱-۲-۳- بنیادگرایی (Faundamentalism)

دفاع از سنت دینی با زبان سنتی و در چارچوب گفتمان سنتی است (گیدنز، ۱۳۸۳).

### ۱-۲-۴- بنیادگرایی اسلامی (Islamic Faundamentalism)

اصطلاحی است که به طور وسیع در غرب برای اشاره به اسلام‌گرایان که از بازگشت دین به عرصه سیاسی سخن می‌گویند به کار می‌رود (بهرز لک، ۱۳۸۶).

### ۱-۲-۵- گفتمان (Discorse)

مجموعه‌ای از احکام و گزاره‌ها که در درون یک نظام معنایی خاص موقتاً تثبیت می‌شود (Laclau & Mouffe, 2001: 105). گفتمانها در واقع منظومه‌های معنایی‌اند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.

### ۱-۲-۶- اسلام سیاسی (Political Islam)

این واژه برای توصیف جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. مفاهیم دیگری چون بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی نیز در توصیف برخی از جریان‌های سیاسی اسلام به کار رفته، اما هیچ یک نمی‌توانند همانند اسلام سیاسی به صورت فراگیر گروه‌های

سیاسی اسلامی را در بر گیرند. در یک تعریف کلان می‌توان اسلام سیاسی را گفتمانی دانست که اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی قرار می‌دهد (بهرزولک، ۱۳۸۶: ۲۵).

### ۱-۲-۷- هویت (Identity)

بر خلاف جوهر گرایی، ذات محوری و تعیین کنندگی سوژه در نظریه مدرنیسم، از منظر گفتمان فرد به عنوان سوژه خودمختار پذیرفته نمی‌شود. برداشت لاکلائو و موفه از گفتمان بیانگر شخصیت رابطه‌ای هویت می‌باشد، زیرا در این برداشت هر عمل و معنایی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد باید شناخت (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۸). بنابراین هویت‌ها گفتمانی‌اند و به عبارت بهتر هویت‌ها موقعیت‌هایی هستند که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند. هویت گفتمانی از طریق زنجیره هم‌ارزی که در آن نشانه‌های مختلف در تقابل با زنجیره‌هایی دیگر با هم مرتبط شده‌اند ایجاد می‌شود. هویت‌ها همچون نشانه‌های زبانی در تمایز با غیر شکل می‌گیرند و لذا ارتباطی و نسبی‌اند و هیچ‌گاه کاملاً تثبیت نمی‌شوند (Jurgensen, 2002: 43). به عبارت دیگر، معنای یک نشانه در درون گفتمان هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شود و همواره احتمال رسوخ معنایی دیگر و گفتمانی دیگر وجود دارد، لذا هویت گفتمانی متزلزل و ناپایدار است. بنابراین در بحث هویت باید به نسبی بودن و در معرض نفی قرار داشتن توجه کرد. نیروی خصومت دو نقش متفاوت ایفا می‌کند: از یک سو از ایجاد هویت کامل و تثبیت آن جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر خود بخشی از شرایط وجودی هویت است.

### ۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

در مجموع باید گفت درباره جهانی شدن و ابعاد و وجوه آن آثار زیادی تالیف شده است. در مورد منابع فارسی، عمده آثار منتشره، ترجمه کتابهای غربی است. در مورد پژوهش حاضر با عنوان بررسی تاثیر فرایند جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد، کار مستقل و جامعی صورت نگرفته است. کتابهایی که در خصوص این موضوع مطالعه گردیده است عبارتند از:

برایان ترنر (۱۳۸۱) در کتاب «شرق شناسی پست مدرنیسم و جهانی شدن»، تلاش دارد تا با نگاهی نقادانه به پدیده‌های شرق شناسی و غرب شناسی افراطی به تبیین نقش فرهنگ، دین و تمدن شرق در بستر جهانی شدن پردازد. وی معتقد است که اسلام گرایی کوششی برای ایجاد اجتماعی جدید در سطح جهانی است. یعنی نوع جدیدی از خانواده سنتی که تهدید پست مدرنیته را با بازسازی یک ایدئولوژی همبسته از بین خواهد برد.

بنیادگرایی اسلامی دفاع از مدرنیته کردن در برابر پسامدرنیسم می‌باشد. ولیکن نویسنده هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

جان بلیس (۱۳۸۳) در کتاب «جهانی شدن سیاست» در خصوص اسلام در عصر جهانی شدن معتقد است که تجدید حیات اسلام در بحران مدرنیزاسیون در قرن بیستم شکل گرفت. اسلام گرایان با عوامل سکولار و پیامدهای جهانی شدن به مبارزه برخاستند. اما رابطه بین اسلام و مدرنیته، روشن و صریح نیست. نویسنده معتقد است بنیادگرایی مهم‌ترین شکل مخالفت با فرایند جهانی شدن است. لیکن نویسنده تاثیر و نسبت جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی را توضیح نمی‌دهد.

سید عبدالعلی قوام (۱۳۸۳) در کتاب «جهانی شدن و جهان سوم» که مشتمل بر ۱۰ فصل است سعی می‌کند تا ابعاد گوناگون جهانی شدن و چالشهای فرارو را بررسی کند. وی معتقد است بنیادگرایی اسلامی را باید مواجه‌ای علیه فرهنگ مصرفی غرب دانست که طی فرایند جهانی شدن با شیوه‌های غیردموکراتیک در حال تسلط و سیطره خود بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی هستند. لیکن نویسنده تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

مانوئل کاستلز (۱۳۸۱) در کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ» به بررسی ریشه‌ها و عوامل ظهور اسلام‌گرایی از منظر جنبش‌های اجتماعی می‌پردازد. در تحلیل جنبش‌های اجتماعی جدید بر سه اصل؛ هویت، نهضت و دشمن نهضت تاکید می‌شود. کاستلز تلاش می‌کند در این چارچوب ظهور جریان‌های معترض در جامعه شبکه‌ای یا جهانی شدن را بر اساس تقابل هویت توضیح می‌دهد. در تلقی کاستلز سه صورتبندی از هویت طرح می‌گردد، هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه‌دار. هویت مشروعیت‌بخش درصدد تثبیت وضع موجود و هژمونیک ساختن آن است و هویت مقاومت در برابر هویت مسلط به مقاومت می‌پردازد. هویت برنامه‌دار فراتر از مقاومت در پی تشکیل و صورتبندی هویت جدید و بدیل بر می‌آید. از این رو ظهور جنبش‌های دینی در تحلیل کاستلز، نتیجه تقابل هویت‌های جوامع غیرغرب مدرن در برابر سلطه هژمونی غربی می‌باشد. لیکن نویسنده توضیحی در ارتباط با تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌دهد.

ابراهیم محمد ابوریح (۱۳۸۴) در مقاله «جهانی‌سازی و واکنش‌های اسلام معاصر»، استلزامات جهانی‌سازی را برای دنیای اسلام مورد توجه قرار می‌دهد. وی معتقد است مسلمانان در برابر تهاجم مدرنیته منفعلانه عمل کرده‌اند. اما زمان آن فرا رسیده که اولاً جهان‌بینی اسلامی آزادی‌خواهانه و مخالف هر گونه بیدارگری را با زبان قابل فهم ارائه دهیم. ثانیاً پاسخگوی نیازهای فعلی بشر باشیم، ثالثاً دگرگونی سریع و اساسی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی ضروری است. لیکن نویسنده هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی نمی‌کند.



در مورد بررسی نسبت جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه در دو دهه اخیر منابع مورد بررسی عبارتند از:

هراریر دکمجان (۱۳۷۷) در کتاب «اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)» به بررسی شکل‌گیری بنیادگرایی در جوامع اسلامی می‌پردازد و آن را بر اساس بحران‌های پیش روی جامعه اسلامی توضیح می‌دهد. کار دکمجان تا آنجا که به تحلیل و تبیین عوامل و ریشه‌های ظهور گفتمان اسلام‌گرایی می‌پردازد حائز اهمیت است، اما وی در حوزه تعامل بنیادگرایی اسلامی با گفتمان‌های غربی وارد نمی‌شود و تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

سید احمد موفقی (۱۳۷۸) در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» به بررسی توصیفی و تاریخی برخی جنبش‌های اسلامی معاصر می‌پردازد ولیکن به تاثیر فرایند جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌پردازد.

احمد الموصلی (۱۳۷۸) در کتاب «اصول گرایی اسلام و نظام بین‌الملل» تصویر روشنی از حرکت اصول‌گرایی، آرمان‌ها و اهداف و عقاید اصول‌گرایان را ارائه می‌دهد، ولی نویسنده هیچ اشاره‌ای به تأثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

پرویز امام‌زاده فرد (۱۳۷۹) در مقاله «پدیده جهانی شدن و آثار آن بر حیات سیاسی اجتماعی منطقه خاورمیانه» نتیجه‌گیری می‌کند که در اثر پدیده جهانی شدن، نهادها و موسسات اجتماعی و سیاسی وابسته به دولت‌های منطقه‌ی خاورمیانه دچار فرسایش، کاهش انسجام و افت کارآیی سیاسی می‌شوند. با جهانی شدن، تجارت و سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در منطقه جریان می‌یابد و مسافرت‌ها، ارتباطات، صدور فن‌آوری و اطلاعات میان کشورهای منطقه افزایش هر چه بیشتری پیدا می‌کند. مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر چه بیشتر وارد اقتصاد و فرهنگ جهانی می‌شوند. به این ترتیب سرنوشت تک‌تک کشورهای منطقه خاورمیانه به یکدیگر و به سرنوشت جهانی گره می‌خورد ولیکن نویسنده هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

رحمان قهرمان‌پور (۱۳۸۱) در مقاله «جهانی شدن و مسئله هویت در خاورمیانه» عنوان می‌کند که ظهور اسلام‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ در خاورمیانه تا حد زیادی ریشه در این تصور داشت که جهانی شدن و پایان جنگ سرد به معنی تک‌تازی لیبرالیسم به رهبری آمریکا است. از طرفی در اغلب موارد جنبش‌ها احساس می‌کنند خود دولت‌های اسلامی ابزاری هستند در جهت گسترش نظام سرمایه‌داری و سلطه آنها بر حیات مسلمانان. در برخی موارد نیز ناتوانی دولت‌ها باعث می‌شود تا افراد و جنبش‌ها دچار نوعی احساس ناامنی شده و واکنش نشان دهند.

به نظر می‌رسد تحلیل نویسنده از تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی در خاورمیانه، ارائه ناقصی از همه وجوه این تاثیر باشد.

حسین کاظمی کهرودی (۱۳۸۱) در کتاب «ریشه‌های تاریخی و اجتماعی جنبش‌های اسلامی معاصر» علل ظهور نهضت‌های اسلامی معاصر را بررسی می‌کند و در بررسی خود به ریشه‌های داخلی و خارجی علل ظهور جنبش‌های اسلامی معاصر اشاره می‌کند. ولیکن در هیچ کدام اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

شیرین هانتر (۱۳۸۱) در مقاله «اسلام‌گرایی: نقش سیاسی جنبش‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه معاصر» عنوان می‌کند که اسلام‌گرایی در خاورمیانه هم متأثر از ویژگی‌های ذاتی دین اسلام است و هم ناشی از شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی است. ولیکن نویسنده تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در دو دهه اخیر در خاورمیانه را بررسی نمی‌کند.

حمید احمدی (۱۳۸۱) در مقاله «اسلام و غرب پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱: رویارویی یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟»، دلایل گوناگونی برای رد و نفی رویارویی تمدنی بین اسلام و غرب ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است روابط اسلام و غرب همچنان مسالمت‌آمیز خواهد بود. وی اشاره‌ای به جریان افراطی بنیادگرایی اسلامی می‌کند و معتقد است که این جریان، جریان مسلط اسلام‌گرایی معاصر محسوب نمی‌شود. ولی هیچ اشاره به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

شهرام پازوکی (۱۳۸۴) در کتاب «خرد جاوید» به بررسی تفاوت سنت‌گرایان و بنیاداندیشان می‌پردازد. به نظر وی یکی از مهم‌ترین مشابهت‌های سنت‌گرایان و بنیاداندیشان این است که هر دو ضد مدرنیته هستند با این تفاوت که بنیادگرایان اصولاً غافل از حقیقت مدرنیته به عنوان یک تفکر و دوره تاریخی هستند و به هیچ وجه تاملی جدید در مبانی و نتایج آن نمی‌کنند. ولیکن نویسنده هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

غلامرضا خسروی (۱۳۸۵) در مقاله «درآمدی بر بنیادگرایی اسلامی» بنیان‌های فکری بنیادگرایی اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در حقیقت نویسنده به این سؤال پاسخ می‌دهد که بنیادگرایی چیست و دارای چه مولفه‌ها و گزاره‌هایی است؟ بنابر فرضیه نویسنده بنیادگرایی اسلامی به عنوان یک ایدئولوژی، گزاره‌ها و بنیان‌های فکری سیاسی خاصی است که آن را از سایر ایدئولوژی‌های رایج در قرن بیستم جدا می‌کند. ولیکن نویسنده هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند.

نعمت‌الله مظفر پور (۱۳۸۶) در مقاله «پروژه جهانی سازی و اسلام‌گرایی» به بررسی معنا و تاریخچه جهانی‌سازی می‌پردازد؛ سپس به اسلام‌گرایی با عنوان ایدئولوژی که در برابر جهانی‌شدن آمریکا، ایستادگی می‌کند اشاره می‌کند. ولی وی هیچ اشاره‌ای به تاثیر جهانی‌شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نمی‌کند. هیچ کدام از منابع به بررسی جامع تاثیر جهانی‌شدن بر بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد نمی‌پردازد. ولی این تحقیق درصدد است این خلاء تحقیقاتی را پر کند و به این سؤال پاسخ دهد فرایند جهانی‌شدن چه تاثیری بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد گذاشته است؟

#### ۱-۴- اهداف تحقیق

تبیین تاثیر فرایند جهانی‌شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد.

#### ۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق

با توجه به این که گفتمان جهانی‌شدن، گفتمان مسلط زمانه ماست و اسلام سیاسی نیز از گفتمانهای مطرح در عرصه جهانی و بین‌المللی است. نحوه مواجهه اسلام‌گرایان با جهانی‌شدن از مسایل مهم زمانه به شمار می‌رود، لذا نیاز به این پژوهش برجسته‌تر می‌شود.

#### ۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق

با توجه به اینکه یکی از پارامترهای تعیین‌کننده آینده کشورهای خاورمیانه، نحوه مواجهه اسلام‌گرایان با جهانی‌شدن است این پژوهش می‌تواند برای: ۱- ارتقاء سطح دانش محققان و علاقه‌مندان به موضوع جهت رسیدن به گام‌های تکمیلی در این مورد. ۲- وزارت امور خارجه کاربرد داشته باشد.

#### ۱-۷- سؤال تحقیق

فرایند جهانی‌شدن بر بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد چه تاثیری داشته است؟

## ۸-۱- روش تحقیق

نوع تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. با استفاده از منابع دست اول و دوم به توصیف متغیرهای پژوهش و تحلیل تأثیر جهانی شدن بر بنیادگرایی اسلامی پرداخته می‌شود.

## ۹-۱- ابزار تجزیه و تحلیل

این پژوهش مسئله خود را بر اساس تحلیل گفتمانی بررسی خواهد کرد. تحلیل گفتمانی در سال‌های اخیر کاربرد وسیعی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی یافته است. رشد این نظریه عمدتاً محصول نارضایتی از پوزیتیویسم، به خصوص در رشته‌هایی چون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز چرخش زبانی در علوم اجتماعی در دهه ۱۹۷۰ است (Howarth, 2000:3) همچنین رواج روش‌ها و نظریاتی چون هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی، بر گسترش نظریه گفتمان تأثیر داشته است. تحلیل گفتمانی، طیف وسیعی از نظریات را شامل می‌شود. اما در این اثر، از میان نظریه‌های گفتمان، از الگوی تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه استفاده خواهیم کرد. این نظریه را ارنستو لاکلاو و شنتال موفه ابتدا در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» در سال ۱۹۸۵ ارائه کردند. تحلیل گفتمانی در نظریه لاکلاو و موفه تمایز معروف هنجاری / اثباتی در علوم اجتماعی را بی‌معنی می‌کند و آن را فراتر از مدل‌های مشهور علم سیاست، همچون انتخاب عقلانی، تحلیل نهادی، رفتارگرایی، کارکردگرا، ساختاری و مارکسیسم و دیگر رهیافت‌هایی که مبتنی بر مفروضات اثبات‌گرایانه هستند، قرار می‌دهد.

## ۱۰-۱- ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای است. لذا از کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است.

## ۱۱-۱- محدودیت‌های تحقیق

چون ابزار گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای است. لذا جامع و کامل بودن منابع موجود در زمینه تحقیق حاضر می‌توانست کمک بسیاری بر انجام پژوهش به محقق باشد. ولی متأسفانه کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان در این راستا با کمبودهای زیادی مواجه بود.